

زویای پنهان از جنایت در کوه پارک



به سرویس بهداشتی برود که اعظم دست او را گرفت و به طرف اتاق کشید. سپس تی شرت همسرش را از تنش بیرون آورد و به درون اتاق پرت کرد و گفت: «با اینس او را بکشید!» در این لحظه «محمد» روی وحید نشست و دست و پاهایش را محکم گرفت و من هم با همان تی شرت او را خفه کردم.

بعد هم جسد را در صندلی جلو گذاشتیم و سه نفری به طرف ششاندیز به راه افتادیم. در میانه راه یک ظرف ۴ لیتری بزین هم خریدیم. حدود ساعت ۵ بامداد بود که به کوه پارک رسیدیم. با کمک محمد جسد وحید را پشت فرمان خودرو گذاشتیم و کمربند ایمنی را هم بستیم تا صحنه را حادانه و از گونی جلوه دهیم، با آن که خودرو چند بار معلق زما آتش نگرقت به همین دلیل به پایین کوه رفتیم و طرف بزین را روی خودرو خالی کردیم من هم با فندک خودرو را به آتش کشیدم و... «محمد» متهم دیگر این پرونده نیز اظهارات همدستاش را تایید کرد و بدین ترتیب با افشای زویای پنهان این پرونده جنایی، سه متهم با دستور قاضی دکتر زرقلانی روانه زندان شدند تا دیگر مراحل قانونی این پرونده طی شود.

گویم. متهم این پرونده جنایی افزود: وقتی من و اعظم تصمیم به قتل وحید گرفتیم من از «محمد» خواستم تا او را به قتل برساند چرا که او جوانی افغانستانی بود و همسر اعظم او را نمی شناخت. حدود یک ماه قبل از قتل، با هم به در منزل وحید در شهرک مهرگان رفتیم. من با خودرو سر کوه ایستادم و محمد که ماسک بهداشتی به چهره داشت او را هنگام باز کردن در منزل، با چاقو مروح کرد ولی بعد اعظم با من تماس گرفت و خیلی گلابه کرد.

او گفت: من گفتم طوری بزین که در بیمارستان بستری شود، حالا من مجبورم از او در خانه پذیرایی کنم! بعد هم وحید از یک فرد ناشناس شکایت کرد که او را با چاقو زده بود!

به همین دلیل مدتی بعد و برای آن که زودتر با اعظم ازدواج کنم تصمیم به قتل وحید گرفتم. آن شب (یازدهم تیر) هنگامی که اعظم با من تماس گرفت و گفت قرص هارابه شوهرش خورنده است من و محمد به خانه اعظم رفتیم و داخل اتاق منتظر ماندیم. اعظم دخترش را به داخل اتاق برد که صحنه قتل را نبیند در همین حال وحید که به شدت دچار خواب آلودگی شده بود به حالت چهار دست و پا قصد داشت

اختلافات مانیز همچنان ادامه داشت. همه درگیری های لفظی ما در نهایت به کتک کاری و ضرب و جرح می رسید با این حال وحید حاضر نبود مرا طلاق بدهد در میان همین اختلافات بود که به پسر خالام (دانیال) دل باختیم و با این بهانه از او خواستم تا همسر مرا به قتل برساند.

مدتی بعد نقشه قتل را در حالی کشیدیم که از تباط نزدیک و عاطفی خاصی بین ما شروع شده بود. شب قتل طبق نقشه قبلی، دانیال تعدادی قرص خواب آور برای آورد و من هم که می دانستم وقتی همسر به خانه باز گردد خسته است، آن ها را درون لیوان شربت حل کردم.

زمانی که وحید به خانه آمد و ایسراز کرد به خاطر کهنوردی پاهایش درد می کند من از دختر ۷ ساله ام خواستم تا پاهای پدرش را ماساژ بدهد. خودم نیز لیوان شربت را به او تعارف کردم. وقتی با همان حالت خستگی شربت را نوشید خیلی زود دچار خواب آلودگی شدند من هم بلافاصله به دانیال پیامک دادم که بیاید. مدتی بعد او به همراه دوستش «محمد» وارد اتاق جنایت و حشمتاک به شهرک مهرگان (محل وقوع قتل) هدایت شدند تا حقیقت ماجرا هنگام بازسازی صحنه جنایت افشا شود.

بنابراین گزارش، در آغاز بازسازی صحنه قتل که سرهنگ نجفی (رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی خراسان رضوی) نیز حضور داشت، ابتدا «اعظم» با دستور قاضی زرقلانی مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد و درباره ماجرای جنایت تا جنایت گفت: ۱۵ سال قبل با وحید که پسر عمه ما بود در حالی ازدواج کردم که هیچ علاقه ای به او نداشتم ولی به ناچار به این زندگی مشترک ادامه می دادم. وقتی دخترم به دنیا آمد،

آن شب اعظم با خوراندن قرص های خواب آور، شوهرش را بیهوش کرد و من هم او را خفه کردم و سپس جسدش را درون خودروی ال ۹۰ خودش گذاشتیم و به منطقه کوه پارک پردیس شاندیز آوردیم تا صحنه ساختگی واژگونی را ایجاد کنیم. من خودرو را به پایین انداختم و با بزین آتش زدم.

کار آگاهان پلیس آگاهی در ادامه این عملیات و در پی اعتراضات دانیال بلافاصله «محمد» را نیز دستگیر کردند و به پلیس آگاهی انتقال دادند. هنوز تحقیقات در این پرونده جنایی ادامه داشت که با صدور دستوری از سوی دادستانی، ادامه رسیدگی به این پرونده به قاضی دکتر حسن زرقلانی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) سپرده شد چرا که محل وقوع جرم در حوزه مشهد بود.

با توجه به اهمیت ماجرا، بلافاصله قاضی شعبه ۲۱۱ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد، تحقیقات گسترده ای را با مطالعه سطور اوراق این پرونده جنایی آغاز کرد و تناقض های زیادی را از لابه لای اعترافات متهمان بیرون کشید، به همین دلیل دستور داد تا عاملان این جنایت و حشمتاک به شهرک مهرگان (محل وقوع قتل) هدایت شوند تا حقیقت ماجرا هنگام بازسازی صحنه جنایت افشا شود.

در آغاز بازسازی صحنه قتل که سرهنگ نجفی (رئیس دایره قتل عمد پلیس آگاهی خراسان رضوی) نیز حضور داشت، ابتدا «اعظم» با دستور قاضی زرقلانی مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد و درباره ماجرای جنایت تا جنایت گفت: ۱۵ سال قبل با وحید که پسر عمه ما بود در حالی ازدواج کردم که هیچ علاقه ای به او نداشتم ولی به ناچار به این زندگی مشترک ادامه می دادم. وقتی دخترم به دنیا آمد،

حکایت می کرد به همین دلیل کار آگاهان با دستور مقام قضایی دانیال را در روستای کورده مشهد شناسایی کردند و در یک عملیات هماهنگ و ضربتی او را به دام انداختند.

در بازجویی هاشمخش شد که اعظم و دانیال ۲۴ ساله از مدتی قبل با یکدیگر از تباط آلود دارند بنابراین احتمال وقوع جنایت با انگیزه خیانت قوت گرفت و دو متهم در مواجهه حضوری با یکدیگر در حالی به قتل وحید (همسر اعظم) اعتراف کردند که پای جوان دیگری به نام «محمد» نیز به این جنایت و حشمتاک کشیده شد اما دانیال نقش او را در ارتکاب قتل کم رنگ توصیف کرد و گفت: من همه کارها را انجام دادم و «محمد» تنها در صحنه قتل و به آتش کشیدن خودرو حضور داشت.

متهم ۲۴ ساله ادامه داد: دختر خالام با همسرش اختلاف داشت ولی وحید به طلاق رضایت نمی داد تا این که من و اعظم از عید نوروز امسال به یکدیگر علاقه مند شدیم و روابط عاطفی عمیقی بین ما شکل گرفت به گونه ای که تصمیم به ازدواج گرفتیم اما «وحید» همچنان مانع اصلی رسیدن ما به یکدیگر بود.

به همین دلیل اعظم از من خواست تا او را سر راهمان بردارم. من هم ماجرا را برای یکی از دوستانم که تبعه افغانستان است، بازگو کردم تا به من کمک کند. حدود یک ماه قبل از قتل بنا به درخواست اعظم، به در منزلشان در شهرک مهرگان رفته و زنگ زدیم زمانی که وحید در حیاط را باز کرد، یک ضربه چاقو به شکمش زدیم و فرار کرد ولی او زنده ماند تا این که شب یازدهم تیر با طرح نقشه ای دیگر، تصمیم به قتل گرفتیم ولی باز هم محمد به داخل خانه نیامد.

گروه حوادث - عاملان یک جنایت هولناک در مشهد، زویای پنهان دیگری از ماجرای عشق گناه آلود زن خیانتکار را هنگام بازسازی صحنه قتل فاش کردند. عصر دوازدهم تیر گذشته، شهروندان در تماس با پلیس ۱۱۰ شهرستان طر قبه شاندیز اعلام کردند خودروی ال ۹۰ سفید رنگ از قله کوه پارک پردیس سقوط کرده و راننده آن به طرز وحشتناکی میان شعله های آتش سوخته است.

به دنبال دریافت این خبر، بلافاصله گروهی از نیروهای پلیس آگاهی به دستور سرهنگ اویسی (فرمانده انظمی طر قبه شاندیز) اعزام محل شدند و به تحقیق در این بساره پرداختند اما چگونگی سقوط خودرو و نحوه آتش سوزی، بسیار مشکوک بود به طوری که آرام آرام کنکاش های پلیسی رنگ و بوی جنایت گرفت و بدین ترتیب با حضور قاضی گلمکانی (بازپرس شعبه اول دادرسی عمومی و انقلاب طر قبه شاندیز) بررسی های تخصصی آغاز شد.

واکوی ۹۰ این حادثه مرگبار، نشان داد که سقوط خودروی ال ۹۰ از قله کوه صحنه سازی فرد یا افراد ناشناس برای پنهان ماندن راز یک قتل است به همین دلیل گروه ویژه ای از کار آگاهان آگاهی به سرپرستی سرگرد رنگنه (رئیس پلیس آگاهی طر قبه شاندیز) به جست و جو در اطراف محل سقوط خودرو ادامه دادند تا این که با کشف یک گونی تلفن سوخته متعلق به راننده، سرخ هایی را بر زو اختلافات خانوادگی بین وحید (مقتول) و همسرش به دست آوردند. این گونه بود که دامنه تحقیقات به محل زندگی وحید و اعظم در شهرک مهرگان مشهد کشید. بررسی های غیر محسوس از ارتباط رمز آلود اعظم و پسر خاله اش

قاتل: همسر مرا کشته و در چمدان قرار دادم

سمفونی مرگ مهناز توسط شوهر آهنگسازش در تهران

حدود ۱۷ سال قبل خواهر مهناز با برادر من دوست بود، اما چک ۱۸ میلیون تومانی برادر من را که سهم الارش بود مخفیانه برداشت و برادر من از او شکایت کرد. یک روز که مهناز برای جلب رضایت برادر من به خانه ما آمده بود او را دیدم و عاشقش شدم.

شب حادثه چه اتفاقی رخ داد؟ مهناز به خاطر مصرف مواد مخدر مشکل اعصاب و روان داشت. من آهنگساز بودم و در مراسمات ارگ و کیتار می زدم اما مهناز این کار را دوست نداشت. من هم آن را کنار گذاشتم و این موتور کار می کردم. مهناز یک دختر ۱۸ ساله از شوهر اولش داشت و یک پسر ۵ ساله هم از من دارد. شب حادثه به خاطر یکی از دوستانش که من از او خوشم نمی آمد دعویانم شد. من از خانه بیرون رفتم اما دخترش زنگ زد گفت حال مادرم خوب نیست. به خانه رفتم و با دادن قرص هایش او را آرام کردم و خوابید اما صبح دیدم نفس نمی کشد.

گروه حوادث - چند روز قبل مأموران کلانتری در جنوب تهران در تماس با بازپرس ساسان غلامی از مرگ مشکوک زن جوانی در خانه اش خبر دادند.

شوهر وی در تحقیقات گفت: مهناز حالش بد شد و بعد از خوردن قرص خوابید. صبح که از خواب بیدار شدم، متوجه شدم نفس نمی کشد. در حالی که هر مزچین ادعایی داشت، اما کبودی دور گردن زن جوان از چشم بازپرس جنایی مخفی نماند. و همین مسأله احتمال یک جنایت را مطرح کرد. بدین ترتیب بازپرس شعبه سوم دادرسی امور جنایی پایتخت دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی را صادر کرد و متخصصان پزشکی قانونی، علت مرگ را خفگی اعلام کردند و به دستور بازپرس جنایی، هر مز بازداشت شد و برای تحقیق و بازجویی در اختیار کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار داده شد.

گفت و گو با متهم: چطور با همسر آشنا شدی؟



توهم چنین اعتراضی کرده و این ماجرا فقط خیال پردازی او بوده است.» با مشخص شدن این موضوع، پسر جوان با دستور بازپرس جنایی تهران برای بررسی سلامت روانی به پزشکی قانونی معرفی شد و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

پدر و مادر وی گفتند که پسرشان هیچ وقت ازدواج نکرده و همسری ندارد. آنها توضیح دادند که او معتاد به مخدر گل است و تحت تاثیر مواد مخدر دچار توهم شده و به قتل یک زن خیلی اقرار کرده است. خانواده وی گفتند: «پسرمان سال ها قبل دانشجوی مهندسی بود و در دانشگاه با دختری آشنا شد.

رابطه خیلی خوب و عاشقانه ای داشتند و قصدشان از ازدواج بود اما یکبار همه چیز به هم ریخت. آن دختر به پسرمان جواب منفی داد و مدتی بعد به آلمان مهاجرت کرد.

این اتفاق باعث شد که پسرمان به شدت دچار مشکلات روحی و روانی شود. تا جایی که دو بار اقدام به خودکشی کرد اما ما به موقع رسیدیم و نجاتش دادیم. او را نزد روانپزشک بردیم تا درماتش کنیم و پس از آن پسرمان شروع کرد به مصرف قرص و مدتی هم در بیمارستان اعصاب و روان بستری شد.»

آنها ادامه دادند: «پسرمان درس و دانشگاه را هم رها کرد و مدتی بعد متوجه شدیم که به مخدر گل اعتیاد پیدا کرده است و این وضعیت شرایط او را بدتر کرد. کارهای عجیبی انجام می داد و امروز (روز حادثه) نیز مواد مصرف کرده بود و چون قرص هایش را نمی خورد، حالش بدتر شده و با ما درگیر شد و از خانه بیرون رفت. او به خاطر

گروه حوادث - من و همسرم با یکدیگر اختلاف درگیر داشتیم و تصمیم گرفته بودیم جدا شویم. روز حادثه بر سر مسائل قبلی با هم درگیر شدیم و من او را به قتل رساندم.

من همسر را به قتل رساندم و جسدش را داخل چمدان جاسازی کرده ام اما به خاطر عذاب وجدان تصمیم گرفتم خودم را معرفی کنم. این ادعای پسری ۳۰ ساله در کیوسک کلانتری تجریش بود که برای مساعاتی مأموران را به در در انداخت. این پسر جوان وقتی مقابل افسر کلانتری نشست گفت: من و همسرم با یکدیگر اختلاف

و درگیر داشتیم و تصمیم گرفته بودیم جدا شویم. روز حادثه بر سر مسائل قبلی با هم درگیر شدیم و من او را به قتل رساندم. با دستام او را خفه کردم و جسدش را داخل یک چمدان جاسازی کردم. می خواستم آن را به بیرون از خانه ببرم و در اطراف تهران رهاش کنم اما ناگهان عذاب وجدان به سراغم آمد. به شدت ترسیده بودم و تصمیم گرفتم برای رهایی از این عذاب وجدان به اداره پلیس پیام و خودم را تسلیم کنم.»

پس از اظهارات پسر جوان، مأموران نشانی خانه اش را از او گرفتند و راهی آنجا شدند. آنجا محل زندگی پدر و مادر این پسر بود و آنها وقتی متوجه اعتراضات پسرشان شدند شوکه شدند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

جویای کار

آقا ۳۲ ساله جویای کار سرایداری با محل اسکان می باشم
۰۹۳۷۳۲۶۹۴۳۷

خدمات

خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

استخدام

کارمند امور اداری خانم آشنا به امور اداری و کامپیوتر جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید، بلوک b۳، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

رستوران

رستوران دارچین کیش انتهای بلوار اندیشه
۰۷۶۴۴۴۲۳۰۹۰

حمل بار

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

از کارمند خانم برخوردار از سابقه کار در دفتر بیمه دعوت به همکاری می شود. شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۰۲۸۴
تماس: ۸ صبح تا ۳ ظهر

رستوران نعنا انواع غذا پرسنلی شام با نهار فاز G روبروی وحدت ۵
۰۷۶۴۴۴۳۲۰۰۰

حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

تعمیرات و فروش مبلمان

تعمیرات و تولیدی مبلمان گروه اجرا دکوراسیون زالی
۰۹۱۲۴۹۸۳۸۲۱

منشی شیفت بعد از ظهر جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

آرایشگاه

پیرایش چارلی در خدمت کیشوندان عزیز بلوار ایران مجتمع پادنا پلاک ۴۱

کلید سازی شیرین پور
۰۷۶۴۴۴۵۱۸۲۳
۰۹۳۴۷۶۹۳۱۰۶

تخفیف باور نکردنی ۵ تا ۳۵٪ لوازم خانگی، مبلمان، تخت، تشک اقساط بی بهره ۷۶۹۱۷۹۵

تدریس خصوصی دروس ریاضی، فیزیک و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط استاد مجرب با ۸ سال سابقه تدریس - به همراه کلاسهای امادگی تست کنکور شیمی توسط مهندس شیمی - با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی ۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱

پیرایش محمد بازارچه حافظ مجتمع کسری غرفه ۷

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷

شرکت شاندیز کیش

اماکن قرنطینه ای . منازل مسکونی

تجاری . اداری . پروژه ها و . . .
با مه پاش های سرد - فوری

ضد عفونی

